

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

مرحله‌ی آماده‌سازی فایل

تکمیل مآخذ و ویرایش نهایی	ویرایش دوم	ذکر مآخذ	تصحیح و ویرایش اولیه	پیاده‌سازی

فرد مناسب برای ازدواج

پرسش اول: گاهی کسانی که از نظر معنوی رشد کرده‌اند، انتظارشان از همسر آینده بالا می‌رود و انتخابشان سخت می‌شود؛ چه باید کرد؟

پاسخ: در ازدواج کفویت ایمانی لازم است. عوامل اقتصادی و سایر موارد چندان جدی نیست. بسیار خوب است که انسان در همسرش دنبال ارزش‌های معنوی بالا باشد؛ به شرط اینکه کفویت را در نظر بگیریم. گاهی اوقات ما خودمان خیلی بالا نیستیم؛ ولی یک فرد بالا را طلب می‌کنیم. من کفو او نیستم و با او نمی‌توانم زندگی کنم. آرزوها و آرمان‌ها یک بحث، و واقعیت وجود انسان یک بحث دیگر است. آرمان و آرزوی من این است که مثل سلمان فارسی باشم. این آرمان من است؛ ولی واقعاً که نیستم.

کسانی که به لطف خدا از نظر معنوی رشد خوبی کرده‌اند و سلیقه‌ی آنها هم بالا رفته است، یک فرد بامعنویت مثل خودشان می‌خواهند؛ ما هم دعا می‌کنیم خدا روزی آنها کند؛ اما در ازدواج سخت‌گیری نکنید و به خدا بسپارید؛ خدا کفو ایمانی‌تان را می‌فرستد.

چه زیباست که انسان در جنبه‌های معنوی همّت بلند داشته باشد. دانشجویی داشتم که در چهار سال دوره‌ی کارشناسی، در همه‌ی کلاس‌های من حضور داشت. یک‌بار درسی را با من گذراند؛ به بحث علاقه‌مند شد؛ ترم‌های بعد هم می‌آمد. هر ترم می‌رفتم، می‌دیدم دوباره سر کلاس آمده است. یک‌بار با او راجع به ازدواج صحبت می‌کردم؛ گفت: یا سلمان فارسی یا اباذر غفاری! با شخص دیگری راضی نمی‌شوم. گفتیم: همّت بلندت زیباست و امیدوارم خدا روزیت کند؛ اما اگر سلمان بیاید، تحملش را داری با او زندگی کنی؟ زندگی کردن با سلمان کار ساده‌ای نیست. گرچه همّت بلند خوب است؛ اما سطح واقعی خودمان را در انتخاب طرف مقابل ملاک بگیریم. خیلی آرمانی و رؤیایی فکر نکنیم؛ طوری که اصلاً چنین فردی پیدا نشود.

پرسش دوم: آیا راه کمال فقط این است که انسان با کسی هم‌سطح خود زندگی کند؟ یا نه اگر کسی را با مشکلات فراوان تحمل کند، خودش عبادت است. شاید کمک کردن و هدایت چنین فردی ارزشمندتر از این باشد که انسان با یک فرد متعالی زندگی کند. در احوالات شیخ ابوالحسن خرقانی است که کسی برای دیدن او به خرقان می‌رود. به خانه‌ی شیخ که می‌رسد همسرش شروع به فحاشی و بدگویی از شیخ می‌کند؛ تاجایی که او به شیخ بدگمان می‌شود؛ اما می‌گوید حال که تا اینجا آمده‌ام بروم شیخ را ببینم. پرس‌وجو می‌کند و به سمت صحرا می‌رود؛ از دور شیخ را می‌بیند که مقداری هیزم بار یک شیر نر کرده است! می‌گوید من به منزل شما رفتم و همسرتان این‌چنین گفت و حالا این کرامات را می‌بینم. شیخ می‌گوید: من با داشتن آن زن به این درجه رسیده‌ام.

پاسخ: نکته‌ی درستی است؛ اما توجه کنید که مقوله‌ی ازدواج دو مرحله دارد؛ یک مرحله قبل از ازدواج و یک مرحله بعد از ازدواج. قبل از ازدواج تکلیف و وظیفه‌ی ما این است که برای انتخاب فردی با فضیلت‌های اخلاقی و مناسب روحیه‌ی خودمان، تمام هوشمندی عقلانی بشری را به کار گیریم. دستور این است که هم‌گفو و همتای خودتان را از نظر فکری، روحی و معنوی پیدا کنید. در این مسیر تفکر و بررسی کنید؛ از مشاوره کمک بگیرید و همه‌ی تلاشتان را بکنید. اینها همه برای قبل از ازدواج است. من همه‌ی اندیشه‌ام را به کار بستم؛ تمام بررسی‌ها را کردم؛ بالأخره یک نفر همسر من شد. از این لحظه به بعد فرمایش شما صحیح است. قبل از ازدواج وظیفه‌ی ماست که تمام تلاشمان را به کار بندیم و بهترین فرد را انتخاب کنیم. البته همان‌طور که گفته شد واقع‌بینانه عمل کنیم و رؤیایی نباشیم. موجودی را آرزو نکنیم که اصلاً خدا نیافریده است. سعی کنیم مناسب‌ترین فرد، انسانی متدین، پاک، اهل فضیلت‌های اخلاقی و کرامت‌های معنوی و روحی، شخصیتی وارسته و عمیق را بیابیم.

اما از لحظه‌ای که ازدواج انجام شد و فردی همسر ما شد؛ فرمایش شما مصداق پیدا می‌کند. یعنی آن فردی که ازدواج با او واقع شد، همانی است که خدای متعال رشد و کمال من در زندگی را با او می‌داند؛ و به‌همین دلیل این ازدواج شکل گرفته است. این شخص ممکن است انسان لطیف و معنوی بسیار بزرگی چون حضرت خدیجه عَلَيْهَا السَّلَام باشد و ممکن است موجودی مثل عایشه باشد. خداوند برای پیغمبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ هم خدیجه عَلَيْهَا السَّلَام و هم عایشه را در نظر می‌گیرد. همان‌طور که وجود خدیجه عَلَيْهَا السَّلَام و زندگی با این بانوی بزرگوار

برای پیغمبر ﷺ سازندگی دارد، صبر و تحمل پیغمبر اکرم ﷺ در برابر خباثت‌های عایشه هم برای او سازندگی دارد.

ما نمی‌دانیم رشدمان با کدامیک از این دو نوع واقع می‌شود؛ خدا می‌داند. لذا ازدواج ما با هرکه شکل گرفت، همان است که در عالم بالا مقدر شده بود. ما قبل از ازدواج همه‌ی بررسی‌ها، تلاش‌ها، گفتگوها، مصاحبه‌ها، مطالعه‌ها، مشاوره‌ها، استخاره‌ها و ... را انجام می‌دهیم؛ اما آنچه درنهایت رخ داد و هرکه همسر ما شد، بدانیم رشد ما در زندگی با اوست؛ چه این فرد انسانی بسیار خوش‌اخلاق و همراه و ملایم و لطیف باشد، چه انسانی بسیار اذیت‌کن. همان‌گونه که در لطافت‌ها و محبت‌های اولی می‌توانیم رشد کنیم، در صبر و پایداری با دومی هم رشد خواهیم کرد. لذا کسی مثل شیخ ابوالحسن خرقانی می‌گوید، تمام این کرامات به‌خاطر تحملی است که نسبت به آن زن پرخاشگر اذیت‌کن داشتیم. شیخ ابوالحسن خرقانی می‌توانست زنش را طلاق دهد؛ اما اگر طلاق داده بود زمینه‌ی رشد خود را از بین برده بود. آنچه خدا برایش انتخاب کرد، برای رشدش مناسب‌ترین بود.

گاهی به بعضی از دوستان که در روابط خانوادگی مشکل دارند و حتی صحبت از جدایی و طلاق زده‌اند، گفته‌ام، درست است که طلاق خلاف شرع نیست، ولی با این کار بسیاری از فرصت‌های رشد را از دست می‌دهید. اگر بتوانید در موقعیتی که خدا برایتان ایجاد کرده است، آن‌گونه که مورد رضایت خداست رفتار کنید، خیلی رشد می‌کنید. در روایات داریم: «جَهَادُ الْمَرْأَةِ حُسْنُ التَّبَعْلِ»^۱ جهاد زن خوب شوهرداری کردن است. جهاد یعنی چه؟ در میدان جهاد که نقل و نبات پخش نمی‌کنند؛ تیر و تفنگ است. این «حُسْنُ التَّبَعْلِ»

^۱ سید رضی، نهج‌البلاغه، حکمت ۱۳۶.

که جهاد زن است، نشان می‌دهد که زن در خانه با تحمل سختی رشد می‌کند و به قرب الهی نائل می‌شود؛ همان‌گونه که یک فرد مبارز در میدان جنگ، تیر و نیزه و شمشیر به تنش می‌خورد و به قرب خدا نائل می‌شود.

البته ما برای هیچ‌کس در زندگی سختی نمی‌خواهیم. برای همه‌ی دوستان اهل بیت علیهم‌السلام محیط خانه‌ای شیرین و پر از صفا و یک‌رنگی آرزو می‌کنیم. اگر اندکی از نفسانیاتمان دست برداریم، شدنی است. با محبت اهل بیت علیهم‌السلام محیط خانه محیط صفا و صمیمیت و رفاقت می‌شود. اگر هم در خانه‌ای شرایط سختی پیش آمد، بدانید که تحمل سختی‌ها و رفتار کردن مطابق رضای الهی به‌قدری به ما رشد می‌دهد که هزار چله‌نشینی و ریاضت به گرد پای آن نمی‌رسد. این ریاضت خداداد است و ریاضت‌های دیگر تصنعی است. ریاضت خداداد است که انسان را رشد می‌دهد؛ لذا می‌بینید که همسران بعضی از انبیاء الهی افراد ناجوری بودند. انبیاء که گناه نکرده بودند؛ ولی رشد پیغمبر در این بوده است. همسر نوح و لوط علیهم‌السلام را ببینید. در ائمه علیهم‌السلام همسر امام مجتبی و امام جواد علیهم‌السلام را ببینید. از آن طرف زنانی که شوهران ناجور داشته‌اند؛ مثل دو دختر پیغمبر اکرم صلی‌الله‌ع‌یه‌وآله‌وآل‌ه‌س‌لم. حضرت دو ربیبه داشتند که عثمان با یکی از آنها ازدواج کرد و داماد پیغمبر صلی‌الله‌ع‌یه‌وآله‌وآل‌ه‌س‌لم شد. عثمان این زن را به‌قدری اذیت کرد که مرد. بعد خواهرش را خواستگاری کرد و پیغمبر صلی‌الله‌ع‌یه‌وآله‌وآل‌ه‌س‌لم هم او را به عثمان داد. لذا عثمان را ذوالنورین یا صاحب دو نور می‌نامند؛ یعنی دو تا از دختران پیغمبر صلی‌الله‌ع‌یه‌وآله‌وآل‌ه‌س‌لم زن عثمان بودند. آن زن‌ها هم در تحمل عثمان رشد کردند. هم زن، هم مرد، با تحمل همسر ناجور می‌تواند رشد کند.

امیدواریم با محبت اهل بیت علیهم السلام دست از نفسانیت و منیت برداریم؛ زیرا ریشه‌ی همه-
ی اختلافات و دعوایها و تلخی‌ها در محیط زندگی خانوادگی همین منیت است که به
برکت محبت اهل بیت علیهم السلام از بین می‌رود و در آن صورت خانه، محیط صمیمیت و صفا و
محبت می‌شود؛ همانی که قرآن فرمود: «جَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَ رَحْمَةً»^۲ مودت و رحمت حاکم می-
شود و خانه محیط آرامش می‌شود. «لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا»^۳ فرد به سکون و آرامش می‌رسد. یعنی
مردی که از صبح تا شب بیرون خانه هزارویک مشکل دیده است؛ همین که وارد خانه
می‌شود نفس راحتی می‌کشد و همه‌ی خستگی کار از تنش بیرون می‌رود. امیدواریم
محیط خانه‌هایمان به برکت اهل بیت علیهم السلام این‌گونه باشد.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ

۲. سوره‌ی روم، آیه‌ی ۲۱.

۳. همان.